

دومین نامه ی فرزاد کمانگر پس از اعدام احسان فتحیان

«نه» به خشونت «نه» به اعدام

صلح ، خواب کودک است

صلح ، خواب مادر

گفتگوی عاشقان در سایه سار درختان

صلح همین است

صلح لحظه ای است که دیگر

توقف اتومبیلی در خیابان

هراس بر نمی انگیزد

و زمانیست که کوبیدن بر در

نشانه دیدار یک دوست «۱»

آغاز ، رویا و افسانه ای شیرین است ، چون با زندگی شروع می شود.

و انسان را آفرید به نظاره اش نشست و برای آفرینش این موجود به خود آفرین گفت « ۲ »

« در عزل کلمه بود ، کلمه با خدا بود ، کلمه خود خدا بود پس کلمه انسان شد « ۳ »

انسان موجودی الهی و مقدس شد چرا که از روح لایزالی در آن دمیده شده بود و حق حیات در زندگی یافت ؛ « هر کس حق دارد از زندگی و آزادی و امنیت شخص خویش برخوردار باشد» «۴»

و این سو تر خدایگان زر و زور چوبه دار بر افراشتند تا خالص طناب و مرگ شوند و گام به گام تا به امروز زندگی و مرگ ، روشنی و تاریکی ، فریاد و سکوت و رهایی و اسارت همزاد و هم گام همه صفحات تاریخ را ورق زدند.

و باز در هزاره سوم مرگ و اعدام ادامه دارد ، اعدام یک سناریوست و این سناریو بازیگر نقش اول می خواهد ، بازیگرش «انسان» است ، اشرف مخلوقات ، شاهکار آفرینش از جنس من و شما و عده ای که خود را مالک جان او می دانند و سناریو را نوشته اند ، آگاهانه دور میزی می نشینند ، خیلی ساده به سیگارشان پوک میزنند ، چایشان را می نوشند و آگاهانه کاغذی را امضا میکنند تا حق حیات را از انسانی سلب کنند، به همین سادگی.

تصمیم گرفته می شود جوانکی نحیف ، سفید ، سیاه ، زرد ، شرقی را کشان کشان به سوی چوبه دار می برند ، گویی جای کسی را تنگ کرده باشد . آگاهانه طنابی بر گردنش می آویزند و دست و پا زدن او را آگاهانه می نگرند به همین زشتی و سادگی.

چه تهوع آور است لبخندی که بر لبانشان می نشیند.

چه ترسناک است سکوت بهتی را که پس از شنیدن خبر اعدام یا کشته شدن یک انسان میشنویم و باز هم سکوت میکنیم و چه زشت و نفرت انگیز است قرنی که در آن هنوز چوبه دار خواب از چشمان مادری نگران می رباید.

از آغاز خشونت ، خشونت آفریده است و مرگ ، مرگ آفریده است . و گفتگو صلح و دوستی و برادری به ارمغان آورده است.

از ابتدا در سرزمینی که باروت بوی غالب است ، بوی بنفشه مشام کسی را نوازش نداده ، آسمانی که در آن نسیر گلوله شنیده می شود عرصه پرواز کبوتر نخواهد شد . سنگی که سنگر می شود ، هیچ گاه پایه و ستون خانه ای نخواهد شد به همین سادگی.

گلوله خشونت می آفریند و خشونت مرگ و تک صدایی و زندان را بر جامعه تحمیل می کند

اعدام و خشونت آغازی برای زایش مجدد خشونتی دیگر است به همین سادگی.

کاش این هفته ، این چند ماه ، این چند سال همه اش یک خواب باشد.

کاش اعدام یک خواب یک کابوس گذرا باشد.

به همین سادگی ، کاش یک خواب باشد ، یک خواب ، به همین سادگی.

پا ورقی

1- شعری از یانيس ريتسوس

2- آیه ای از قران

3- آیه ای از انجیل

4- بند سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر